

جبهه ملی

ارکان جبهه ملی ایران

شماره ۷۲ شنبه ۲ خرداد ماه ۱۳۶۰ ۴ صفحه - ۱۵ ریال

بر کناری قضات یعنی تنگ تر کردن حلقه استبداد

بالاخره "سال قانون" سراغ دادگستری هم آمد و طبق تصمیم شورای عالی قضائی - بگویم آیت الله بهشتی - عده‌ای از قضات شریف و پاکدامن دادگستری از مشاغل خود برکنار شدند. برکناری قضات از مشاغل خود تصادفی نیست. زنجیر اختناق و استبداد تنگ تر میشود و هر روز دایره وسیع تری را شامل میگردد. هر آنکس که از علم و آگاهی برخوردار است و وجدان بیدار خود را در طبق اخلاص در اختیار حاکمین روز قرار ندهد باید در این

مسئله قربانی شود. همگان بیاد دارند که آیت الله خمینی در روزهای اخیر و در جمع علمای آذربایجان در مورد امر قضاوت و عملکرد حاکمان شرع بیاناتی ایراد کردند. متعاقب بیانات ایشان انتظار میرفت که دادخواهی مردم از نحوه قضاوت بی بدیل حکام شرع مورد توجه قرار گیرد و حداقل تجدید نظری در انتخاب این حکام صورت گیرد. اما از آنجا که حکومت انحصاری قشر روحانی بدون توجه به صلاحیت و کارآئی آنان باید همه ارکان جامعه را فراگیرد با هرگونه ایراد و انتقاد از عملکرد آنان انواع چماق‌های تکفیر به گردش درآمده و بفرق این ملت مظلوم فرود می‌آید.

آنکس که جان و مال و حیثیت و آبروی او در نتیجه قضاوت آنچنانی حاکمان شرع مورد تجاوز قرار گرفته است ناکزیر و از سردرد ناله‌ای از اعتراض سردهد برعم آفتابان بمقابله با "اسلام" برخاسته و کافر و ملحد شناخته میشود و لاجرم باید قربانی گردد. چنین طرز تفکری همه ارکان حکومت جمهوری اسلامی و همه دست‌درکاران حکومت را قادر میسازد که در هر لحظه با صدور یک "حکم شرعی" آتش بدامان این سرزمین بی‌ترحم و بی‌مسئول انداخته و خائمانی را براندازد.

انتظار میرفت که بعد از سرنگونی رژیم استبداد دستگاه قضائی کشور بدور از بازیهای معمول سیاسی داد هر مظلوم را با شایستگی و استقلال بستاند و "حکومت قانون" را مستقر سازد. اما همچنان که در دیگر موارد و مسائل مورد ابتلاء انتظارات و خواست‌های مردم دیرگون گردیده و ظلم و جور و اختناق و سلب حقوق و آزادی به فراوانی رواج و توسعه یافت دستگاه قضائی کشور نیز از این هجوم و حمله بدور نماند و حزب حاکم، قوه قضائی کشور را نیز همچون قوای دیگر مملکتی تیول خود دانست و در فرصت‌های مناسب و به بهانه‌های مختلف دستگاه قضائی را در خدمت حرکت‌های سیاسی ناشی از حکومت استبدادی قرار داد.

از چنین دستگاه قضائیتی که رئیس دیوان عالی آن در سمت دیربکر حزب حاکم چماق‌داران اوباش را "مردمی مومن و معتقد" میدانند و دادستان کل آن در بزرگترین و آشکارترین حمله و هجوم چماق‌داران بی‌تاب و مشتاق به زیارت آنان رفته و به دلجوئی و ملاطفت آنان می‌پردازد و بازپرس ویژه!! آن نیز برخلاف همه قوانین و مقررات موجود دستور توقیف جرایم را صادر میکند چه انتظاری میتوان داشت؟

از دستگاه قضائی دیگری که به موازات قوه قضائیه و بنام دادگاههای انقلاب و دادستانهای انقلاب دست-درکارند سخن نمی‌گوئیم. این دستگاه برعوض و طول خود مقوله جداگانهاست که دادستان آن بعنوان قدرتی مافوق قدرت‌های موجود رسمی و غیررسمی شخصا بکار تدوین و تصویب و اعلام و اجرای قانون مشغول است و لامحاله هیچ ایراد و اعتراضی نیز بر او وارد نیست زیرا به عیان خود را نماینده و برگزیده "الله" در سرتاسر کره ارض میداند، ملت ایران باید بداند که حمله و هجوم اخیر به دادگستری و برکنار کردن قضائیتی که وجدان آگاه خود را در اختیار رئیس حزب حاکم قرار نمی‌دهند یک جریان تصادفی و در حد یک تصمیم اداری نیست بلکه تیر خلاصی است که غول استبداد بر قلب فرشته آزادی و عدالت نشانده است.

ملت ایران باید بداند که این اقدام همگامی و همراهی دولت و مجلس و شورایی عالی قضائی برای توسعه و رواج سیاست اختناق و سلب آزادی فکر و وجدان عمومی بوده و از یک سیاست "انتقامی" که مبانی قضائی حاکم را تشکیل میدهد سرچشمه میگردد.

بدون شک قضات آزاده و مبارز که برای حفظ حقوق مردم در مقابل رژیم سابق استبدادگی قاطعانه کردند در مقابل تصمیمات مستبدانه و خودسرانه هیئت حاکمه فعلی و شورایی عالی قضائی هم تسلیم نخواهند شد.

نواقص و ایرادات بودجه نظرات انحصارگرا نه، اغراض گروهی، بی توجهی بوخامت او ضاع و جهل بمسائل اقتصادی

بودجه نویسی را عده‌ای امری ساده و معمولی تلقی میکنند و بهمان سادگی هم در مورد آن بخصوص درباره تعادل بودن درآمد و هزینه و سلامت بودجه گاهی با قاطعیت اظهار نظر میکنند. کسانی که از دوره طاغوت در تنظیم بودجه ساده و معمولی تلقی میکنند و بهمان سادگی هم در مورد آن بخصوص درباره تعادل بودن درآمد و هزینه و سلامت بودجه گاهی با قاطعیت اظهار نظر میکنند. کسانی که از دوره طاغوت در تنظیم بودجه

تعادل بودجه سخاوتمندانه از قرارداد یک صفر و گاهی چند صفر جلوی ارقام فرضی خود-داری نمیکردند. این تعادل بودجه را بعضی نداننده قبول میکردند و برخی ساده لوحانه اقلام ذکر شده را واقعی تلقی و بآن تفاخر می نمودند. بعضی از دولت مردان فعلی که بیاناتی در مورد بودجه اظهار میکنند جزء دسته اخیر میباشند، چون خود واقف بمسائل مالی و بودجه‌ای و نکات دقیق آن نیستند همه مردم را هم در همان وضع تصور مینمایند لذا دهان را باز کرده هرچه دل-تنکشان خواست میکوبند و غافل از اثرات آن گفتار و بی اعتبار کردن همه مبانی زندگی اجتماعی مردم و اداری کشور.

بودجه‌ای که اکنون در مجلس شورا مطرح است نواقص و ایرادات آن نسبت به بودجه‌های سالهای پیش چشم گیرتر و انحرافات از اصول و حسی مصلحت بیشتر دیده میشود. بدون شک نظرات انحصارگرا نه و اعمال دیدها و اغراض گروهی

محکمه عالی انتظامی قضات نباید تابع فشار سیاسی باشد

چماق‌داری پدید آمده اسفبار و شرم انگیزی که چون لکه سیاهی بر چهره جمهوری اسلامی نشسته است

حسن صدر

من چون بیاد دارم که دوران دیکتاتوری رضاشاه، مدعی-العموم کل علی-رغم تمام تضییقاتی که جو استبداد بوجود آورده بود، در مقام انجام وظیفه پیش از حد انتظار خود را بر عایت وظیفه ملزم میدید و با منتهای جسارت و شجاعت همه ملاحظات سیاسی را در راه حق و عدالت نادیده میگرفت، هفته‌ها منتظر شدم

جمعیت زنان ایران در نامه‌ای به اعضای شورای عالی قضائی:

«وطن» شعری از دکتر شایگان

صفحه ۴

و بی توجهی بوخامت او ضاع و جهل بمسائل اقتصادی از دلائل اصلی و عمده و نیز پایه و منبای این معایب و کج رویهاست و ناگزیر توضیح درباره آنها بطور اجمال ضرورت دارد. آگاهان میدانند که اساس اقتصاد رژیم گذشته ناسالم، غیر منطقی و خلاف ضوابط و اصول علمی و برپایه نظرات خودکامه و اغراض خاص، بنیان گذاری شده بود، کار-شناسان یقین داشتند که رژیم گذشته از نظر اقتصادی محکوم بسقوط بود و اگر خشم ملت موجب بروز انقلاب و سرنگونی رژیم نمیشد روند اقتصادی آن رژیم که توأم با فساد هم بود کشور را با فلاکت و ورشکستگی کامل کشانید که بالاخره در سالهای نه خیلی دور رژیم را ساقط میکرد.

باعتراض معذرت از خوانندگان بعلت تراکم مطالب دنباله در شماره بعد خواهد آمد.

در لایحه قصاص زن نیم انسان فرض شده است

از جهت فرزندان صغیر و با دیوانه و مجنونشان نادیده گرفته است. از زمانیکه فریاد انقلاب اسلامی ایران برخاست مسئله حقوق زن در جمهوری اسلامی مطرح شد و از همان زمان تا امروز زنان ایران از هیچگونه بقیه در صفحه ۴

پیچیده جرائم امروز - عدم توجه به حقوق افراد غیر مسلمان که جز جدائی-ناپذیر ملت ایران هستند. - عدم توجه به نکات دقیقی که در جوامع امروز برای اثبات جرم بکار گرفته میشود، هم چنین حقوق زنان ایران را چه از جهت خود آنان و چه

از سیاستهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر آن جامعه است؟ در حالیکه استقرار جمهوری اسلامی که نوید برقراری عدالت اسلامی و برابری و برادری و بازسازی اجتماع را میدهد، وضع چنین قوانینی نه تنها مغایر با تکامل حقوق اجتماعی و احکام اسلامی است، بلکه

چرا جبهه ملی در بحث تلویزیونی شرکت نکرد

مسائلی از قبیل "ماتریالیسم" "ایدالیسم" دور میزد و این درحالی است که انبوه سخنی‌ها و بدیختی‌ها و گرفتاریهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ناشی از سوء سیاست و ناپختگی و بی تدبیری گردانندگان امور کشور ما را بر لب پرتگاه تجربه و تلاشی قرار داده است. موضوع دیگری که از این منظره بیاد می‌آید، صحنه‌های ساختگی در دوران منحوس "آریامهری" بود که برای بحث درباره (دموکراسی) و (حدود و شعور آزادی) دو سه روشنفکر نمای فلسفه‌باف را که اتفاقا نام یکی از عناصر اصلی آنها نیز "احسان" بود دور میگرد بدبختی نشانند و منظور منصرف کردن مردم از توجه بمسائل اساسی و گرفتاریهای روزانه و چپاولگری-های دستگاه حکومت و غنما گردن بیت‌المال و سلب حقوق و آزادیهای افراد، سر و صدا براه میانداختند درحالیکه هرگز علاقه به دموکراسی و آزادی نداشتند. و اما اینکه پیش از شروع برنامه از طرف گرداننده جلسه گفته شد از جبهه ملی و چند بقیه در صفحه ۴

بی اختیار انسان بیاد داستان مشاجرات و مناظرات رهبران عیسوی مذهب در بار قسطنطنیه می افتاد که در سال ۱۴۵۲ مقارن حمله "سلطان محمد فاتح" به پایتخت، چنان دربار شاه سلطان حسین به تعلیم گرفتن مشق خط اشتغال داشت بهر حال صحنه ازین جهت تماشا داشت که راد بولتویزیون جمهوری اسلامی از میان همه گروهها فقط چهار نفر را توانسته بود بر سر یک میز در کنار هم بنشاند و بحث در اطراف

در هفته قبل دوشب متوالی از ساعت ۱۰ تا ساعت ۱۲ تماشاکننده صحنه بحث آزاد در رادیو-تلویزیون دولتی بودیم که شرکت کنندگان در آن، نمایندگان جریان حاکم و دوتن از نمایندگان احزاب سوده و چریکیهای فدائی خلق اکثریت بودند. با مشاهده این مجلس بحث که سخن آوران در پیرامون مسائل مربوط به "ایدئولوژی" و "دیالکتیک" و "تکامل" و "تضاد" داد سخن میدادند

شورای کارکنان کیهان: سر نوشت ما در اختیار گروهی قرار گرفته که صلاحیت اداره مؤسسه را ندارند و روز بروز ما را به پرتگاه نزدیک میکنند

جلوگیری از هرگونه اعتراض همه را فدا سازند، حتی انقلاب و امام را. امید آن داشتم که نماینده امام به مهابت این افراد بی برده و اجازه ندهد بر زندگی، تسلط یابند ولی مناسفانه این گروه با استفاده از ناآشنائی آقای خانی و شبکه سازی و باندبازی، ایشان را نیز محاصره کردند و چون گرفتاری مجلس و نیز مأمورینهای خارج از کشور فرصت بررسی کافی به ایشان نمی‌دهد هر روز برداشته تسلط ایشان افزوده میشود. بستها و اموال کیهان را که از رگ و بی و گوشت و خون ما کارگران و کارمندان موسسه تشکیل یافته برادروار بقیه در صفحه ۳

«جبهه ملی ایران» از قضات شرافتمند دادگستری که از «آزادی» در مقابل غول استبداد پاسداری میکنند حمایت میکند

بعد از یک قرن مبارزه و سزایسلی اسارت در جنگال امپریالیسم آمریکا، به همت قشرهای وسیعی از مردم عصبان زده از زور و تزویر و استعمارطلبی انقلاب درخشیدن گرفت و دلها را امیدوار کرد که فرهنگ سیاسی استعداد دو هزار و یانصد ساله از بنیان دگرگون شود و ایمان به منزلتهای انسان رهنمای مسئولین امور کشور گردد... ولی افسوس و هزار افسوس که باز مائیم در درجیداید کرد... باز مائیم و کج آئین زمانه ای... باز زبان بکلم سخ شده است و الفاظ با معانی خویش سرآشنائی ندارند. دروغ را بجای راست و راست را بجای دروغ عرضه میکنند. دشمن را دوست و دوست را دشمن میخوانند. قانون، جفاقت است و جفاقت، قانون. تزویر بنیادی واقعی است انکارناپذیر. قضاوت از جامعه رخت برسته است. روز و شب درهم آمیخته اند و شواهدات و شنیدنیهای روز از کابوس شب تفکیک ناپذیرند. باسی از نیمه شب میکشد و من در کیوردار چنین اندیشم هائی بودم که ناگهان در باز شد و رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا وارد اتاق غارمانندم کردید. همینکه چشم به قامت او افتاد رشته فکرم از هم کسخت و بخود کفتم چه خوب است از فرصت استفاده کنم و از رئیس جمهور نوپای آمریکا نقاضا نمایم که مواضع واقعی کشورش را نسبت به انقلاب ایران بی برده بیان نماید. آقای ریگان با گشاده رویی از این درخواست اقبال کرد و چنین آغاز سخن نمود:

امپریالیستها نکنه اصلی این است که اقلیتی کوچک بر اکثریتی بزرگ حکومت کند و قشر یا طبقه ای خود را نخبه و بی همتا و قیم مردم پندارد. برای ما امپریالیستها فسق نمیکند که تکفیر و جفاقت با تکبیر بر سر مردم فرود آید یا با کف زدن. مهم این است که آزادیخواهان سرکوب شوند و جفاقت نشان دهند به بند و زندان کشیده شوند. خلاصه اینکه دشمن بزرگ ما امپریالیستها در ایران آزادی است

خواب و

خوابهای امپریالیسم

یعنی همان دشمنی که ما بیش از هشتاد سال است در آمریکای لاتین و آسیا و آفریقا با آن مواجه بوده ایم.

۲- استعمار برای ما امپریالیستها تثبیت استعداد و جفاقتی در جمهوری اسلامی ایران بهمان اندازه اهمیت دارد که ادامه سیستم استعماری تولید و توزیع. ما خوشوقتیم که در ایران انقلابی احتکار و بهره کشی از انسان ادامه دارد. ما از اینکه دولت "مکتبی" آقای رجائی با تخصص و علم مخالف است و ترجیح میدهد که مثلا صنایع ملی شده و مال گردن ملت باشد تا در دست مدیران کاردان بسیار خوشنودیم. ما میدانیم که اگر کسری دخل و خرج کارخانجات ملی شده بوسیله دولت تامین نکرده جملگی به ورشکستگی کشیده خواهند شد. ما آگاهیم که نیاز ایران به ورود کالاهای صنعتی روبه افزایش است و از این بابست خیلی راضی هستیم. ایران تنها کشور ثروتمند جهان است که در دوسال اخیر نه تنها هیچگونه سرمایه گذاری تولیدی در آن انجام نگرفته است بلکه غالب صنایع نوپا نیز به سقوط گشاده شده اند. البته در کوتاه مدت ایران به عنوان یک بازار برای کالاهای ما را کد شده است ولی، این بهاراجهت جلوگیری از حرکت کشورشما سوسی آزادی و استقلال و خودکفائی ناچیز میدانیم. ما امپریالیستها وقتی با واقعیتهای زلزله مانند چون انقلاب ایران روبرو میشویم دیگر منافع کوتاه مدت اقتصادی و نظامی نیست که تعیین کننده برنامه و عملکرد ما میشود. در هشتاد سال اخیر که ما در سطح جهان سلطه گری میکیم زیاد اتفاق افتاده است که در اثر تحولات در یک کشور زیر سلطه در کوتاه مدت ضرر کرده ایم ولی چون موفق شدیم که از تغییر کیفی ساخت و شرایط سیاسی و اقتصادی در آن کشور

جلوگیری کنیم توانستیم که در برآوردن مقاصد و منافع دراز مدت خود برنده باشیم. در مورد ایران انقلابی نیز ما به همین منوال میاندیشیم. شما باید بدانید که ما با دولتی- شدن معاملات خارجی هیچگونه مخالفتی نداریم. آنچه برای ما امپریالیستها مهم است وایستکی روزافزون شما به سیستم سلطه جهاانی است. ما میخواهیم که شمانفت استخراج کنید و نیازهای وارداتی خود را برآورده نمائید. حالا

که خریدن برنج و گوشت و میوه و تخم مرغ تنها راه مبارزه با کرابی مواد غذایی است و چادر زدن در خیابان سریعترین طریق نزل آجاره خانه. نظر آقای نبوی در مورد ضد انقلابی بودن اعتصابات کارگری مورد تأییدی قید و شرط ما امپریالیستها است. ما با او موافقیم که چنانچه کارگران حاضر به قبول "مکتبی" فقر و ناامنی نباشند باید مواخذه و تنبیه شوند. اینگونه راه حل های خلاق در برخورد با اخلال-گران و رفاه طلبان با انتکار

آنها با سیستم سلطه جهانی بی پاداش نماند. بعد از تحریم اقتصادی ایران در سال گذشته "مکتبیون" شما با کاردانی و زیرکی خاص خود بخشی از نیازهای ضرور ایران را از طریق بازار سیاه و واسطه های بین المللی برآورده کردند و در نتیجه بیش از ده میلیارد دلار اضافه بر قیمت معمول پرداخت نمودند. البته همانطور که آقای نبوی و دیگر رهبران مکتبی "ایران بارها تکرار کرده اند انقلاب شما برای عدالت یا بهبود وضع اقتصادی ارزشی قائل نیست و بنابراین ده میلیارد دلار اضافه پرداخت برای کالاهای وارداتی نباید به دست آوردهای انقلابی کروگانگیری، از جمله بقدرت رسیدن اینجانب بعنوان نماینده "میلیتاریست" ترین جناح سیاسی ایالات متحده، کم بها داد.

بود که ناگهان از نیکبختی ما امپریالیستها انقلاب ایران به دست مکتبیون" به کروگان گرفته شد و مسیر ندانوش در جهتی کم و بیش هماهنگ با خواست ما تغییر یافت. برای ما امپریالیستها فرق نمیکند که "مکتبیون" آگاهانه یا ناآگاهانه عمل میکنند. ما توجه چندانی به انگیزه ها نداریم. برای ما مهم اینست که زمینهای ذهنی و عینی استعداد و استعمار و وابستگی باقی بمانند. این خواست ما میتواند هم آهنگ با شعارهای تندوتیز ضد آمریکائی انجام پذیرد و یا با آرامش سیاست مدارانه. نکته اساسی اینست که رای مردم بعنوان ضابطه تعیین کننده حق حاکمیت تثبیت نشود، شعور جای شعار را بگیرد و فرست و دوراندیشی جانشین التهاب و جنجال نگردد. کوش ما از فریادهای ضد امپریالیستی پر است.

البته ما امپریالیستها از برآوردن مسالمت جویانه مقاصد و منافع خود سرباز نمی زنیم. مثلا وقتی از ما نقاضا شد که برای حل مسئله کروگانها توبه کنیم فوراً این پیشنهاد را بپذیریم. باید اذعان کنم که راه حلی بهتر و اصولی تر از این بخاطر کارشناسان ما نمی رسد. ما امیدواریم که همه کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین از اینگونه خلاقیت های "مکتبی" در بر خورد با ما امپریالیستها الهام بگیرند. شما به ما قول بدهید که در حل و فصل اختلافات و مقاصد فی مابین از چرتکه استفاده نکنید و ما آنقدر توبه میکنیم تا شما راضی شوید ما گوشمان از شعار پر است. چه بسا که شعار دهندگان بی شعور عملاً بهترین خدمت را به منافع و مقاصد ما میکنند. ما وقتی برضد مصدق دست به کودتا زدیم هرگز تصور نمیکردیم که بتوانیم تسلط بلا منازع خود را بر ایران بیست و پنج سال ادامه دهیم. ما شاه دوست نبوده و نیستیم. بطور کلی ما امپریالیستها روی افراد تکیه و تاکید نمیکیم. آنچه را ما شاخص برآوردن منافع و مقاصد خود قرار میدهیم همانا استعداد و استعمار و وابستگی است، حتی اگر در کوتاه مدت بازار از دست بدهیم و فحش بخوریم. شاه برای ما وسیله ای بود که تا آخرین لحظه حیاتش از او استفاده کردیم. من و کیستینجر و راکفلر در آوردن او به آمریکا نقش اساسی داشتیم و خوب می دانستیم که دست به یک عمل سیاسی مهم و تحریک کننده ای زده ایم.

شما ایرانیها بیش از هر کشور دیگری در مورد مسئله آزادی برای ما امپریالیستها مشکل درست کرده اید. با صدق آغاز کردید، در دوران تسلط ما هرگز آرام نگرفتید و زندانها را از آزادیخواهان پر نگه داشتید، بعد انقلاب کردید و فریاد آزادی و استقلال خود را بگوش جهانیان رساندید و حالا بجای اینکه اجازه بدهید حکومت صالحین منتخب خداوند تثبیت شود باز صحبت از آزادی و قانون میکنید و آماده بازگشت به زندانها شده اید. مگر شما خونتان از خون مردم کشورهای دیگر منطقه رنگین تر است که آزاد زیستن را حق خود میدانید. یقین داشته باشید که ما امپریالیستها برای تصحیح انحراف آزادی خواهی ملت ایران به تلاش خود ادامه خواهیم داد و تا "مکتبیون" ضد علم و چرتکه عملاً با ما همراهند به موفقیت نهائی خود در سرکوب آزادی خواهی در ایران امید خواهیم داشت ما امپریالیستها ناسزاگوئی را با عمل ضد امپریالیستی اشتباه نمی گیریم. ما خط سیاسی و اقتصادی سیاستمداران را در چارچوب عملشان تشخیص میدهیم. مثلاً در دوسال اخیر "مکتبیون" شما اینهمه علیه سیستم سلطه جهانی فرساده کپی کرده اند که فقر و ظلم و نابرابری و کرابی و تورم و ناامنی و بیکاری و زور کوبی و بی ثباتی و عدم امنیت قضائی در سراسر ایران افزایش را در جهان خواری ببریم.

همین آقای صدام حسین خیلی بیش از "مکتبیون" شما به ما ناسزا میگفت ولی سرانجام بر همه روشن شد که صدام، دانسته یا ندانسته، هیچوقت از ما امپریالیستها جدا نبوده است. وابستگی نظامی او به رقبای شرقی ما تأیید اینست و واقعیت است، نه نفی آن. اگر یادتان نرفته باشد حتی آقای انورسادات هم تا سال ۱۹۷۲ شعار ضد آمریکائی میداد و وابسته به رقیب شرقی ما بود. این امر در آمریکای لاتین سابقه تاریخی دارد که کاهی اوقات مستبدین و استعمارگران صادقانه شعار ضد امپریالیستی میدهند و روابط دیپلماتیک خود را با ما تیره میکنند ولی مستبد و مطلق اندیش و استعمارگر باقی میمانند و در نتیجه از سیستم سلطه جهانی خارج نمیشوند. برخی رهبران کنونی کشورهای عربی که امروز علیه ما ش می دهند و بحیال خود... معمان را در منطقه تهدید میکنند صدام حسین ها و انور- سادات های دیروزند. واقعیت این است که هیچ کدام از این حکام پرمدعا استبداد و مطلق اندیشی و استعمار و وابستگی را نفی نمیکند و به همین دلیل سیستم سلطه جهانی را بخطر نمی اندازند. وقتی که یکی از همین ضد آمریکائیهای دو آتشه کشور همسایه اش را اشغال نظامی میکند بالفعل سلطه گری را تأیید مینماید زیرا که توسل زور در روابط بین المللی را مشروعیت میدهد، یعنی همان عملی که دوستان صهیونیست ما میخواهند در فلسطین انجام دهند و ما و رقبای شرقیمان در سراسر جهان دست اندرکار آسیم. وقتی که اشغال نظامی و تهدید و زور کوبی در روابط کشورها امری معمولی تلقی شد، دیگر مانگرانی نخواهیم داشت زیرا در رقابت با دیگران باندازه کافی نیرو داریم که سهم خود را در جهان خواری ببریم.

یک سیگار آزادی آتش زد و چنین ادامه داد:

واقعیت اینست که انقلاب ایران در آغازش ما را بوحشت انداخت زیرا که پیروزی آن با اراده و اتحاد بوده های مردم صورت گرفت و اهدافی نظیر استقرار حکومت قانون، تثبیت حقانیت رای مردم، تغییر بنیادی سیستم طبقاتی جامعه، دفاع از آزادی بعنوان یک ارزش مستقل و نیاز قطری انسان، فعالیت و تولید اقتصادی در مسیر خودکفائی، مساوات در مقابل قانون، احترام به اصل برائت قبل از اثبات جرم و... بی برده میکوبم که چنانچه ندانم انقلاب ایران در این مسیر حرکت میکرد و منافع ما و دیگر سلطه گران منطقه زیان بسیار میرساند زیرا این امر را نمیتوان کتمان کرد که فقط در چارچوب استبداد و وابستگی و تضاد و اقتصاد ظالمانه است که منافع و مقاصد سلطه گران ارضا میشوند.

تا زمان کروگانگر به ضعفها و نارسائیها... موقت و مشکلائی... اصل و دوستان بوده - یعنی ما برای آن ایجاد میکردند، انقلاب ایران هم در داخل مسیر خطرناکی را طی نمیکرد و هم از احترام و حمایت جهانی برخوردار بود. از یکسو در داخل ایران برخورد آزادانه عقاید و آراء و فعالیت های متنوع سیاسی در جریان بود. از سوی دیگر در مجامع بین المللی انقلاب ایران را بنام نلاشی نو در جهت تلقیق عدالت و آزادی معنویت قلمداد میکردند. شما با شجاعت و جسارت به جهان سوم و خصوصاً مسلمانان میکندید و داروئی و تسلیحاتی و علمی و فنی ایران از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند. ما از همه مدیران "مکتبی" که تولیدات صنعتی و کشاورزی و داروئی ایران را به مرحله سقوط کشانده اند سیاستمداران و امید ما را در هم شکست داده

مری آنتوانت در دوره قبل از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه باید کداری شد. او از مردم میخواست که چنانچه قادر به خریدن نان نیستند یک بخورند. در آمریکا نیز ما به همین طریق با کرابی مبارزه میکنیم. در ایران پیش از انقلاب نیز مردی بنام عبدالعظیم ولیان که گویامدی استاندار خراسان بوده است برای پائین آوردن قیمت برنقال به مردم دستور داد که برنقال نخورند.

۳- وابستگی. روند سومی که ما از ادامه "مکتبی" آن در ایران انقلابی رضایت داریم وابستگی اقتصادی و نظامی و فرهنگی کشور شما است. بیان خاص توجیه این وابستگی برای ما مهم نیست. گمان کردن آن نیز اصلاً ما را ناراحت نمیکند. ما برای تشدید وابستگی همجانیه شما راهی بهتر از انزوی سیاسی ایران و بستن دانشگاهها و بطور کلی تعطیل تحصیلات علمی و فنی نمی شناسیم. ما امیدواریم که رفتار "مکتبیون" با منحصمین و اسنادان ایرانی نمونه ای برای همه کشورهای زیر سلطه گردد. ما امپریالیستها با "مکتبیون" شما نظریات مشترکی درباره اهمیت و ارزش تخصص و علم در جهان سوم داریم و مشتاقیم که در بیشتر مقاصد "مکتبیون" در تخصص زدانی و علم زدانی همکاری کنیم. ما حاضریم همه اسنادان و منحصمین ورزیده ایرانی را به آمریکا دعوت کرده و شر آنها را از سر دولت "مکتبی" و حزب حاکم گویانه نمایم. ما امپریالیستها خوب میدانیم که "مکتبیون" برای ادامه و ازدیاد وابستگی غذایی و صنعتی و داروئی و تسلیحاتی و علمی و فنی ایران از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند. ما از همه مدیران "مکتبی" که تولیدات صنعتی و کشاورزی و داروئی ایران را به مرحله سقوط کشانده اند سیاستمداران و امید ما را در هم شکست داده

مدیریت این کار با دولت است یا بخش خصوصی برای ما فرق نمیکند. حتی دولتی کردن کل اقتصاد زیر سلطه نیز در وابستگی و خصلت استعماری سیستم تولید و توزیع تغییری کیفی ایجاد نمیکند. این فکر که دولتی کردن اقتصاد یک جامعه زیر سلطه خودی خود داردمیراث قرن نوزدهم است که با واقعیات زمان ما ارتباطی ندارد. بخش عمده اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان سوم (خصوصاً بازگانی خارجی آنها) دولتی است ولی این امر مشکلی برای ما امپریالیستها درست نکرده است.

آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور و سخنگوی دولت یکی از درخشانترین چهره های انقلاب ایران است که ما امپریالیستها میخواهیم عملکرد او را بعنوان الگویی برای دولتسردان کشورهای جهان سوم تأیید و ترویج نمایم. امتناع آقای نبوی از ناسی به روشهای تاجرمنشانه از قبیل "چرتکه اندازی" در تعیین دارائیهای ایران در جریان حل و فصل مسئله کروگانها باعث انبساط خاطر بانکداران ما گردید. بانک مرکزی ایران حساب کرده است که آقای نبوی پنج میلیارد دلار به بانکداران ما استفاده رسانده است. من بدینوسیله از آقای نبوی شکر میکنم و از اینکه او چرتکه را یک آلت ضد انقلابی میدانند اظهار شغف مینمایم. واقعا باعث تاسف است که آقای نبی صدر در رابطه با حل و فصل مسئله کروگانها علیه آقایان نبوی و رجائی اعلام جرم کرده است. ما این عمل را غیر ضرور و کاملاً غیر "مکتبی" میدانیم و حاضریم که تمام مخارج دفاعیات آقای بهزاد نبوی را بپردازیم. برخورد های انقلابی آقای نبوی با تورم و احتکار و اعتصابات کارگری نیز مورد رضایت بی چون و چواری ما است. ما کاملاً با آقای نبوی موافقم

محکمه عالی انتظامی قضات نباید تابع فشار سیاسی باشد

بقیه از صفحه اول

را که با کمال شرمندگی در پناه نیروهای شناخته شده بدقاتر گروههای سیاسی و روزنامهها به کتابفروشیها و مجامع سخنرانی بورس میبرند بجامعه معرفی و سپس تعقیب و مجازات کنند ولی مع الاسف جز دیدار تفقد آمیزی که اخیرا از چاقاق داران ۱۴ اسفند کردند از اجابت تمنای بیغمازدگان خبری نشد.

در ۱۳۱۰ آقای میرزا رضا خان نائینی مدعی العموم تمیز

با دادستان کل زیر شکوائیه وکیل که از تعلل در اجرای حکم قطعی محکمه مبنی بر تخلیه خانهای که در تصرف یکی از وابستگان سفارت انگلیس بود شکایت داشت از رئیس کل اجرای محاکم توضیح خواست رئیس اجرائی چارژ دیل استیضاح مدعی العموم کل نوشت: مقام وزارت دستور داده اند این حکم فعلا اجرا نشود. آری داور وزیرمقتدر عدلیه نوینیاد علی رغم علاقتهای که به استقلال دادگستری داشت زیر فشار سیاسی تلفنهای سفارت

انگلیس جلوی اجرای حکم تخلیه این خانه را گرفته بود و رئیس اجرائی خیال میکرد مدعی العموم تمیز هم در برخورد با او امر حضرت اشرف داور جا میزند ولی باچشمان حیرت زده دید آقای نائینی نوشت: "مقام وزارت شکر میل کرده اند حکم بیدرنگ باید اجرا شود". رئیس اجرائی بناچار دستور را به وزیر نشان داد، داور هم با لبخند خاص دستور اجرا داد.

رفندایم. آنروز سطح درک و فهم مردم بسیار نازل تر و تعداد باسوادان و تحصیل کرده ها فوق العاده کمتر از امروز بود آنروز رضاخان و چندی بعد رضاشاه دست نشانده انگلیسها و منتخب ژنرال آبرین ساید و دیکتاتور نظامی بود. امروز دوسال از انقلابی میگذرد که بمنظور بدست آوردن حقوق لگدمال شده وسیله رژیم ستمگرو فاسد پهلوی بیش از ۵۰ هزار قربانی و دهها هزار معلول داده ایم و مهمتر از همه امروز زیر سایه

حکومتی قرار داریم که طی صدها اعلامیه و بیانیه و نواز نوید استقرار عدل علوی و تحقق آزادیهای صدر اسلام بما دادند. ۱۴ شهریور ۵۷ در اطلاعات نوشتم: "ان موعده نالصبح البس الصبح تقربیه؟" سی دیماه ۵۷ روز کشتار دهها دانشجوی حقیق طلب و تشنه آزادی و صدها مردم مبارز در خیابانهای اطراف دانشگاه و میدانها نوشتم: "از دور ماندن از موج بلا احساس شرم و حقارت میکند" سوم بهمن که با جمهوری اسلامی مخالفت اسلام را چنانکه هست نمیشناسد، کاندی زمان و سید جمال الدین اسدآبادی میاید. چهارم بهمن در کیهان تقالی که از قرآن کریم زده بودم و آیات ۱۷-۱۸-۱۹ سوره الرخان در باب اعزاز موسی بن عمران علیه فرعون بمنظور نجات بنی اسرائیل، آمده بود عینا نقل کردم.

سرگرد باغی مسیحی به نام سعد حداد علم طغیان برافراشته و حساب اسرائیلیها و زیر چتر حمایت این قوم متجاوز مردم بی دفاع جنوب لبنان و اردوگاههای فلسطینی را به خاک و خون میکشد. ولی غیر از این مورد استثنائی در هیچ یک از ممالک خاورمیانه دستجات مجهزه جوب و چماق و زنجیر برای زدن و کوبیدن مخالفین سیاسی پیدا نمیکنید زیرا قوای انتظامی و فرهنگ ملی اجازه پاگرفتن چنین دستجاتی را نمیدهد.

و جدانشان اطاعت نمیکنند، استقلال رای و قدرت قانون را در مورد آزادی میزان نشان دادند. در قانون تشکیلات عدلیه که هنوز بقدرت خود باقی است برای مدعی العموم تمیز دو وظیفه مقرر شده یکی نظارت بر اجرای قانون در سراسر عدلیه های کشور و دیگری انتخاب و اعزام دادیار در شعب محاکم دیوان کشور برای دفاع از فرجاخواهی دادستانهای محاکم تالی یا جوابگوئی بدعاوی فرجامی متهمین و بندرت شرکت شخص دادستان کل و حضور در هیئت عمومی شعب دیوان کشور در حل مسائل متغایبه عمومی محاکم.

در پایان از ذکر این مسئله نمیگذرم که عنوان بازپرس ویژه هم از ادعای عصر حاضر و حکومت فعلی است زیرا جز بازپرس دیوانیکفر که کارش منحصر رسیدگی بجرائم مستند بین دولت است تمام بازپرسها و دادیارها که تحت هدایت دادستان شهرستان کار میکنند از حیث صلاحیت کار میکنند از قانونی برای رسیدگی بنام جرائم شایستگی واحدی دارند مسئله اختصاص و ویژگی ابداع حاکمان امروزی است.

این بازپرس ویژه که حکم بتوقیف میزان داد قاعدتا با استناد به مواد قانون مطبوعات چنین کرد. من با سالها سابقه روزنامه نویسی و وکالت عدلیه لایحه قانون مطبوعات را در اختیار دارم تنها موردی که گفتار از توقیف نشریه شده ماده ۲۲ است که میگوید نشریه به بکام تا ششماه محکوم به توقیف میگردد. محکوم کردن کار دادگاه است نه بازپرس، محکوم میشود یعنی محکمه رسیدگی و متهم از خود دفاع میکند سپس حکم صادر میشود. تبصره ماده ۲۵ کویا تر است: دادستان شهرستان میتواند قبل از ختم تحقیقات از دادگاه جنبه نقاضا کند حکم توقیف نشریه را صادر کند، دادگاه خارج از نوبت بدون حضور نماینده دادسرا بموضوع رسیدگی و حکم به توقیف سه شماره نشریه صادر میکند. از ماده ۱۹ تا ۲۹ که صحبت از جرم رسیدگی و محکومیت است کمترین اختیاری به بازپرس برای توقیف نشریه داده نشده است.

کرچه نوشته دراز شد ولی گفتنی تر از همه اینست که با نهایت تعجب دیدیم که شورای عالی قضائی بجای نقاضای تعقیب انتظامی بازپرس که برخلاف قانون دستور توقیف نشریه را داده، قضات دادگاه شعبه سی و یک را که صرفا از وظیفه وجدان و قانون اطاعت کرده اند به محکمه انتظامی معرفی کرده است!

امیدمن چنین است که عالی ترین محکمه مملکت، محکمه ای که شایستگی تعقیب و مجازات قضات مملکت را دارد در مسائلی که در حد دو دونا چهارنا است تحت تاثیر جو سیاسی روز قرار نگیرد.

هموطنان به مایاری دهید

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۷۶۵ بانک صادرات شعبه ۱۰۶۰ خیابان حافظ چهارراه عزیزخان و از بر فرمائید ارسال کمک از طریق تمام شعب بانک صادرات به حساب فوق الذکر میسر است.

شورای کارکنان کیهان:

اموال کیهان را که از زگ و پی و گوشت و خون ما کارگران و کارمندان تشکیل یافته برادروارین خود تقسیم کرده اند

بقیه از صفحه اول

بین خود تقسیم می کنند و به بیغما و تاراج میدهند و همچون غنائم جنگی از آن بهره می گیرند. وضع به آنجا رسیده است که اگر تصمیم فوری و قاطعی نگیریم و بفکر نجات کیهان نباشیم همه فدا خواهیم شد، بهمین سبب عده ای از همکاران شما که این درد را بیشتر از دیگران احساس کرده اند پس از چند جلسه گردمائی تصمیم گرفته مسائل را بصورت گسترده باشما در میان گذارند و با روشنگری و افشاکاری آنچه که در کیهان میگذرد از همکاران باری خواهد.

رئوس هدفهای ما ذیلا به اطلاعان میرسد و امیدواریم شما نیز همچون ما دردها را حس کنید و برای نجات کیهان از این گرداب مهلک به حرکت درآئید. ۱- امور موسسه باید با کمک شورائی مرکب از افراد مسلمان و متعهد از بخشهای کارگری، کارمندی و تحریری و بدون اعمال نظر افراد شناخته شده و وابسته اداره شود. ۲- خط مشی روزنامه باید مورد توجه و بررسی کامل قرار گیرد و از حالت یکجانبه و وابستگی کنونی بدرآید و به روزنامه ای مستقل، مردمی و در خط انقلاب مبدل شود تا از فاجعه تقلیل تیراژ جلوگیری شود. ۳- تجربه ثابت کرده است که هیچیک از مسئولین و

سرپرستان تعیین شده از خارج صلاحیت لازم برای اداره موسسه را ندارند و باید سرپرستی هر قسمت اعم از کارگری کارمندی و تحریری از افراد مطلع و با سابقه کیهان و با مشورت اعضای قسمت مربوطه انتخاب شوند. ۴- همه جا صحبت از بدهی های روبه افزایش کیهان است ولی از ارقام آن هیچ اطلاعی در دست نداریم. انتشار رقم بدهی ها به تفکیک از هر لحاظ ضروری است و بطور کلی بازبینی حسابهای موسسه و بررسی مخارج و درآمدهای آن مورد خواست ماست. ۵- به استخدامهای اخیر بویژه بعد از انقلاب باید رسیدگی شود و به کار افراد بی صلاحیت خانم داده شود. ۶- کسانی که در دوسال اخیر در موسسه کیهان با سوء استفاده از عناوین مقدس اسلامی حاکم بر سر نوشت شده اند و هیچ سابقه اسلامی ندارند با مدارک مستندی که از بسیاری آنان در دست است نه اسلامی هستند نه انقلابی باید هرچه زودتر شناخته شده وضع آنان مورد بررسی همگانی قرار گیرد. اینها بخشی از هدفهای ما بود و امیدواریم بیداری شما همکاران عزیز به هدفهای فوق نائل شویم. با امید موفقیت - هیئت موسسه شورای کارکنان کیهان ۶۰/۲/۱۹

تقابل باشد دشمن ما امپریالیستها است. از این روشنتر و خلاصه تر نمیشود مواضع دولت آمریکا را نسبت به انقلاب ایران بیان نمود. ما امیدواریم که "مکتبیون" ایران بتوانند ما را از خطرات و ضایعات انقلاب نجات دهند. البته ما میدانیم که غالب "مکتبیون"، خصوصا جوانان آنها، ناآگاهانه در حال کمک کردن به ما هستند، ما اسلحه فروشم و رقیب بر قدرت نیز اسلحه فروش و هر دو دائما درصد بازار یابی برای کالاهای تسلیحاتی خود و هر دو نیز در جهت مقابله با آزادی خواهی و استقلال طلبی در جهان سوم. بعلاوه از سوتی تمایلات توسعه طلبانه صدام بر ما پوشیده نبود و از سوی دیگر وحشت ارتجاع و استبداد منطقه از آرمانهای انقلاب شما جزئی از داده های مهم صحنه سیاسی منطقه محسوب میشود که امپریالیستها برای از بین بردن ریشه های اصلی این وحشت احساس وظیفه مینمودیم. در این جهان دیپلماسی و تبلیغات صدور انقلاب "مکتبیون" معادله را تکمیل کرد و ما با همکاری عملی رقیب بر قدرت چنین چاره اندیشیدیم که برای حل بحران باید...

الله الله که هزاران تجربه تاریخی و از جمله تجربه عینی دوسال پیش باین زودی فراموش میشود. آری اگر پادشاهان قاجار از پایان ذلت بار امرای زندیه و پهلویها از مظالم و سقوت قاجار به پند میگرفتند تمیشدند و هکذا فقل و تفعل. نکته دیگری که یادآوری آن را در سال اجرای قانون ضروری میدانم اینست که در هیچ یک از فصول مواد قانون مطبوعات چه در مورد اعلام جرم و چه شکایت مدعی خصوصی، برای دادستان کل نقشی در نظر گرفته نشده و این امر بحدی مسلم و بی نیاز از گفتگو است که در تمام قوانین مطبوعاتی از بدو مشروطیت تا آوردن رژیم جمهوری دخالت مدعی خروج موضوعی دارد.

در تمام قوانین دوره های مختلف سروکار جرائم مطبوعاتی با دادستان شهرستان و دادیار و بازپرسی است که طرف ارجاع دادستان قرار میگردد و سپس توقیف نشریه یا رفع توقیف با دادگاه عمومی است، همان طور که قضات شجاع دادگاه شعبه ۳۱ قضائی که جز از خداوند نمیترسند و جز از هموطنان به مایاری دهید

تفکرهایی جنگ طلب و جنگ افروز هستند و چرا مقاصد خود را در آتش و خون جستجو میکنند. این یک واقعیت تاریخی است که ما امپریالیستها جنگ را وسیله ای برای دست یافتن به خواستهای خود میدانیم. رقیب بر قدرت نیز با ما هماهنگی عملی دارد، هر چند که توجیهات تازه تری برای خود ابداع کرده است. ما اسلحه فروشم و رقیب بر قدرت نیز اسلحه فروش و هر دو دائما درصد بازار یابی برای کالاهای تسلیحاتی خود و هر دو نیز در جهت مقابله با آزادی خواهی و استقلال طلبی در جهان سوم. بعلاوه از سوتی تمایلات توسعه طلبانه صدام بر ما پوشیده نبود و از سوی دیگر وحشت ارتجاع و استبداد منطقه از آرمانهای انقلاب شما جزئی از داده های مهم صحنه سیاسی منطقه محسوب میشود که امپریالیستها برای از بین بردن ریشه های اصلی این وحشت احساس وظیفه مینمودیم. در این جهان دیپلماسی و تبلیغات صدور انقلاب "مکتبیون" معادله را تکمیل کرد و ما با همکاری عملی رقیب بر قدرت چنین چاره اندیشیدیم که برای حل بحران باید...

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

برخی جامعه شناسان مدعی اند که یکی از رایج ترین شکل های انحراف و ظلم در کار حکومت قوم و خویش بازی است. البته اینگونه جامعه شناسان لیبرال سازشکار دائما در پی تحلیل ریشه های فقر و تبعیضات هستند. همه میدانند که ما

آنکس که به او، دانش و دین دارد دین
و آزادی و حب وطنش نصب العین،
کاهید و زین رفت و شد تاریخش
(کنجینه شایگان ما، رفت زینین)
۱۳۶۰
"تابناک"

شعری که دکتر شایگان درباره «وطن» سرود

«وطن»

شبی ایترج بدامانم نشسته
دو چشم از فرط خوابش نیم بسته
مرا گفت آن نکو گفتار فرزند
پدرجان از تو دارم پرسشی چند
بگوامشب برایم این وطن چیست؟
که اندر خانه غیر از آن سخن نیست
گهی مادر بود صحبت از آنش
گهی خواهر بیاراد بر زبانش
اگر کرد آنچنان این حرف در گوش
که تلخیهای دوران شد فراموش
بمانند گل از شادی شکفته
لبش بسوسیدم و با مهر گفتم
تو چون طفلی و ذهنت بی خیر هست
وطن بهر تو چیزی مختصر هست
وطن من هستم و فرزانه مادر
وطن مهر برادر هست و خواهر
وطن این شهر و این باغ است و خانه
که گه گمیری اندر آن بهانه
وطن حق دویدن هست و جستن
شاخ بیده، بنادکاب بتن
نشستن غمتن، افشانه شنیدن
مه و مهر جهان افروز دیدن
بدامان پدر اینان غنوفن
زمنای وطنش پرسش نمودن
ولی فرده که فکرت بازار شد
از اوضاع زمانه با خبر شد
به مکتب رفتی و استاز دیدی
بیانات معلم را شنیدی
ترا آموزگاران خردمند
بیاوزند صدها حکمت و پند
بگویندت مراثت های اجداد
چگونه کرد این کاشانه آباد
اگر بینی کنار جویباری
گلسی زیبا فراز شاخساری
نشانی از دل خونین آهست
که چون خون سیاوش پای برجاست
چنین شد خونهای آن دلبران
بیکجا جمع و نامش گشت ایران

بسمه تعالی

بمناسبت وفات مرحوم سید
جلیل و دانشمند عالی مقام
جناب آقای سید علی شایگان
طاب ثراه مجلس ترحیم در
سحل و تاریخ زیر منعقد خواهد
بود.
بسیار شایسته است عموم
برادران اسلامی و علاقمندان
رضا الموسوی الزنجانی

بانهایت تاثر و اندوه درگذشت رهبر و مجاهد آزاده
دانشمند، پاکدامن، میهن دوست و تسلیم ناپذیر استاد دکتر
سید علی شایگان را که پس از سالیان دراز زندان و بیش از
بیست سال آوارگی و غربت در خارج از وطن به رحمت حق
پیوسته است به اطلاع یاران و مجاهدان و آزادیخواهان
میرساند. مجلس ترحیم آن شادروان روز یکشنبه سوم خرداد
ماه از ساعت چهار تا شش بعد از ظهر در خانقاه صفی علیشاه
برگزار خواهد بود.
دکتر کریم سنجایی

با تحریم روزنامه های اطلاعات و کیهان در برابر تبلیغات استبداد خشن و خفقان نابود کننده مقابله کنیم

نکته ها

اتفاق نظر!

آن شاه آمریکائی معدوم چندین بار طی سخنانش گفت:
"این جبهه ملی ها خطرناک تر از توده های آنها هستند" و امروز
حزب جمهوری اسلامی و دولت مکتبش! عملا عقیده آن
محمدرضای معدوم! را تأیید نموده و با او همفکری کامل
دارند. بطوریکه می بینید به توده های کم خطر! اجازه
برگزاری میتینگ که صدالبته بدون مزاحمت حزب الهی های
معروف هم هست! میدهند و روزنامه حزب! هم که چه
عرض کنم چگونه با گل و بتنه و روغن همراه سخنان
آیت الله رفیق کیانوری با حداکثر امکانات چاپ و منتشر
میشود ولی "این جبهه ملی های خطرناک" اجازه میتینگ و
راه پیمائی که ندارند هیچ، چاپ و توزیع روزنامه شان هم با
هزار دوز و کلک و تشبیت غیرقانونی ممنوع میشود و اگر با
هزار تلاش و فداکاری توانستند روزنامه ای تهیه کنند باید
مثل لشکریان مغول بر سر آنها تاخت و آنچه تهیه کرده اند
به بیجا برد. این را میگویند پیروی کامل از آن رهبری های
خرده مندانه!!

هیئت!

یکی از پدیده های متداول بعد از انقلاب، مسئله
تشکیل "هیئت" به عناوین مختلف و بمنظورهای گوناگون
بوده است. مانند "هیئت حسن نیت کردستان"، "هیئت
بررسی شایعه! شکنجه"، "هیئت بررسی وضع آذربایجان
غربی"، "هیئت حل اختلاف" و هیئت های دیگری که
همگی آنها کارشان دفع الوقت کردن و مسائل را شامل مرور
زمان نمودن و سرانجام قضاوت های یک جانبه و لو ت کردن
نابسامانیها بوده است. لذا مخلص پیشنهاد میکند که یک
"هیئت" جهت رسیدگی به کار این "هیئت ها" تشکیل
شود شاید فرجی حاصل شود و اقلا این "هیئت" پیشنهادی
مخلص کاری صورت دهد!

دولت ضد ملی

گروه حاکم بعد از انقلاب در هر فرصت و موقعیتی که
بدست آوردند و آنچه که توانستند به طرز تفکر "ملی" که
در حقیقت مترادف با "مردمی" و یا "مربوط به ملت"
میباشد ناخنند و بقول خودشان "ملی گرایی" را مخالف
اسلام قلمداد نمودند. اکنون اگر ما بگوئیم که یک عده
عناصر "ضد ملی" در ایران قدرت را در اختیار گرفته اند
با اینکه بگوئیم دولت ایران یک دولت "ضد ملی" است،
آیا این آقایان مکتبی که اینقدر نسبت به "ملی بودن"
عناد ورزیدند به غیرشان بر نمیخورند؟ و آیا از "ضد ملی"
بودن خودشان ناراحت نمیشوند؟

داستان سکوها!

دوست زبلی دارم که گاهیگاهی هوسهای عجیب و
غریبی به سرش میزند. دبروز میگفت: اگر نماینده مجلس
شورای اسلامی بودم از دولت سؤال میکردم. باو گفتم چه
سؤالی؟
گفت: البته سؤال را طبق معمول پارلمانی بصورت
نامه ای به رئیس مجلس مینوشتم باین شرح:

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

خواهشمند است به رئیس دولت اطلاع دهید تا در
اسرع وقت در مجلس حاضر شده و به سؤالات زیر پاسخ دهد.
۱- اینکار این سکوها سیمانی وسط خیابان که اکنون
بدون سروصدا و با زحمت بسیار جمع آوری میشود از مغز
متفکر کدام آدم مکتبی خطور کرده بود؟
۲- چند هزارتن سیمان و چند هزارتن لوله و فولاد
در ساختن این سکوها به هدر رفته است و چند میلیون
تومان ارزش این همه سیمان و فولاد و خرج نصب آنها بوده
است؟
۳- در طی مدتی که این سکوها سرگردان در وسط
خیابان ولو بودند چند تصادف اتومبیل را باعث شدند و
خسارات مالی و جانی ناشی از این تصادفات چقدر بوده
است؟ و ایضا "چند نفر معلول از این تصادفات بجای مانده
است؟
۴- هزینه جمع آوری این لاشها چقدر است و کجا
آنها را بر بدنیت می کنید؟

لاتاری!

آنقدر با بی غیرتی گفتند خلیج خلیج که مدعیان
بیگانه هم وسوسه شدند و این چنین پنداشته اند که مکتب
ملت ایران خلیج فارس را به لاناری گذاشته باشد بادل زده
شده است و حالا دیگر هرگز حاضر به قبول مالکیت بحق
تاریخی ملت ایران نیستند و آقای ریگان و آقای برزنج
دلشان بحال بیکسی خلیج فارس سوخته که ناوگان آورده اند.
آیا اینست معنی سیاست لاشرفی و لاغری؟

جمعیت زنان ایران
بقیه از صفحه اول
پشتیبانی در جهت حفظ انقلاب
کوشیده اند. اما انقلاب اسلامی
مقام رفیع و شامخ زن در جامعه
سویشتی مشتی شعار مبنی بر
مساوات حقوق زن و مرد، و
گذاشتن زنان از مشاغل مختلف
وضع قوانین دادگاههای
مدنی خاص و بالاخره تقدیم
لایحه قصاص و نیم انسان
فرض کردن زن ایرانی رویرو
هستیم. راستی چرا باید قاتل
زن بتواند با دادن دیه از
مجازات فرار نماید؟



چرا جبهه ملی در بحث

از سوی دفتر ریاست جمهوری
برای شرکت در بحث آزاد
(راديو تلویزیون) به دفتر
یاد شده نوشته است برای
اطلاع خوانندگان محترم پیام
جبهه ملی نقل میکنیم:
بقیه از صفحه اول
گروه دیگر دعوت بعمل آمد و
آنها از مشارکت در این جلسات
خودداری ورزیدند باید در
پاسخ بگوئیم که این بدان علت
بود که در جلسهای که با حضور
نمایندگان سازمانهای سیاسی
و دفتر ریاست جمهور و مدیر-
عامل و نماینده دولت در هیئت
سرپرستی در راديو تلویزیون
تشکیل گردید از حاصل مذاکرات
چنین بدست آمد که برنامه
زنده پخش نخواهد شد و
بحثها در پیرامون آید شود-
لوزیهای گوناگون خواهد بود
و از "روینا" و "زبرینا" و
"جامعه بی طبقه" و "جهان-
بینی مادی و الهی" صحبت
خواهد شد در حالیکه جبهه ملی
اساسا در حال حاضر معتقد به
بحثهای ایدئولوژیک از این
دست، در (راديو تلویزیون)
نیست و با حزب توده اگر
بحثی داشته باشد درباره مسئله
وابستگی و نفی گرایش به ابر-
قدرتها خواهد بود و بدینالکتیک
و غیره.

جبهه ملی اینروزها درباره
مسائل مبتلابه و مشکلات قابل
درک و لمس در جامعه ایرانی
و چاره گیری برای دفع و رفع
اینلآت اجتماعی میندیشد
و جلسات بحث آزاد را در
زمینه های مختلف سیاسی از
قبیل نحوه تحقق بخشیدن به
خروج از وابستگی و حفظ
استقلال و شیوه های صحیح
مبارزه با امپریالیسم و سازندگی
در همه زمینه ها و تأمین آزادی-
های اجتماعی بدون ظهور
هرج و مرج و لجام گسیختگی
و استقرار حکومت قانون و از
حاکمیت ملی و نظایر آن
استقبال میکند و در شرایط
تأمین آزادی بیان و نبودن
سانسور حاضرات با گروه های
مختلف در راديو تلویزیون
راجع به اینگونه موضوعات به
منظره و مناظره بنشیند و
نظرات خود را با استدلال
بگوشهم میهنان گرامی برساند.
اینگ نامه ای را که مشکیلات
جبهه ملی پس از دریافت دعوت

باکمال تأسف درگذشت ناگهانی دکتر سید علی شایگان
را باستحضار اقوام و باران آن مرحوم میرساند. مراسم
ترحم زنانه و مردانه آن شادروان از ساعت ۴ الی ۶ بعد
از ظهر روز یکشنبه سوم خرداد در خانقاه صفی علیشاه
برگزار میگردد. خانواده شایگان و خانواده های وابسته

دکتر سید علی شایگان مبارز بزرگ و بار وفادار دکتر
مصدق و یکی از رهبران شایسته نهضت ملی ایران که از
بنیانگزاران جبهه ملی بود و به فضل و کمالات انسانی
متصف و ممتاز بود از میان ما رفت. مجلس ختم آن مرحوم
روز یکشنبه دوم خرداد ماه از ساعت ۴ بعد از ظهر در خانقاه
صفی علیشاه برگزار میشود.

باکمال تأسف درگذشت ناگهانی دکتر سید علی شایگان
را باستحضار اقوام و باران آن مرحوم میرساند. مراسم
ترحم زنانه و مردانه آن شادروان از ساعت ۴ الی ۶ بعد
از ظهر روز یکشنبه سوم خرداد در خانقاه صفی علیشاه
برگزار میگردد. خانواده شایگان و خانواده های وابسته

دکتر سید علی شایگان مبارز بزرگ و بار وفادار دکتر
مصدق و یکی از رهبران شایسته نهضت ملی ایران که از
بنیانگزاران جبهه ملی بود و به فضل و کمالات انسانی
متصف و ممتاز بود از میان ما رفت. مجلس ختم آن مرحوم
روز یکشنبه دوم خرداد ماه از ساعت ۴ بعد از ظهر در خانقاه
صفی علیشاه برگزار میشود.

جمعیت زنان ایران
بقیه از صفحه اول
پشتیبانی در جهت حفظ انقلاب
کوشیده اند. اما انقلاب اسلامی
مقام رفیع و شامخ زن در جامعه
سویشتی مشتی شعار مبنی بر
مساوات حقوق زن و مرد، و
گذاشتن زنان از مشاغل مختلف
وضع قوانین دادگاههای
مدنی خاص و بالاخره تقدیم
لایحه قصاص و نیم انسان
فرض کردن زن ایرانی رویرو
هستیم. راستی چرا باید قاتل
زن بتواند با دادن دیه از
مجازات فرار نماید؟